

حریم خصوصی، اجرای قانون و ادله اثبات دعوی کیفری در حقوق اسلامی

حسین آقابابایی*

دانشیار گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

ریحانه موسوی

دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشکده الهیات دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۹/۱۹)

چکیده

در دلایل متنی حقوق اسلامی، یعنی قرآن کریم و سنت، واژه حریم خصوصی استفاده نشده است. اما این موضوع به این معنا نیست که مفهوم حریم خصوصی که در ردیف حقوق اساسی بشر مطرح شده، در حقوق اسلامی و به ویژه قرآن کریم به آن توجه نشده است. با عنایت به نگاه دینی و اسلامی به بشر و هدف از آفرینش وی، مفهوم خاص حقوق و قانون در اسلام، زبان خاص دین و کلام وحی در بیان حقوق و تکالیف، می توان مفهوم حریم خصوصی را در اسلام و به طور خاص در قرآن کریم به عنوان موضوعی اساسی و مهم معرفی کرد. جلوه های مختلف حریم خصوصی با زبان و گفتمان خاص شریعت به مناسبت های مختلف تبیین شده است. در این مطالعه ضمن اشاره به مفهوم حریم خصوصی و مفهوم حقوق در اسلام، اجرای قانون در حریم خصوصی و برخی از راهبردهای تضمین حریم خصوصی در زمینه اثبات دعوی کیفری در حقوق اسلامی، بررسی شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که جامعیت و حضور گسترده دین در عرصه های مختلف زندگی و از جمله خلوت افراد، تعارضی با حمایت از حریم خصوصی ندارد و یکی از جنبه های این حمایت، سیاست جنایی خاص شریعت در ادله اثبات کیفری در خصوص جرائم ارتكابی در خلوت است.

واژگان کلیدی

ادله اثبات دعوی کیفری، اقرار، حقوق اسلامی، حریم خصوصی، خلوت، شهادت.

مقدمه

با وجود اینکه واژه ترکیبی «حریم خصوصی» در متون ادبی قدیمی دیده نمی‌شود، در واژه‌نامه‌های نسبتاً جدید در حوزه‌های اجتماعی و حقوقی نشانه‌هایی از مفهوم حریم خصوصی در معنای امروزی می‌توان سراغ گرفت. در واژه‌نامه‌های عربی-انگلیسی و انگلیسی-عربی، در مقابل واژه خاص و خصوصی، واژه «Private» را قرار داده‌اند و در ترجمه «privacy, right of» یا «right of privacy»، «حق الخلو، حق الانسان فی ان یترک و شأنه و لا تکتون خصوصياته هدفا للقیل و القال...» ذکر شده است (فاروقی، ۱۹۹۱، ص ۵۵۱؛ بعلبکی، ۱۹۹۵، ص ۴۹۹). واژه‌نامه حقوقی بلک^۲ در تعریف مختصر از حریم خصوصی، آورده است: وضعیت یا حالت رها بودن از توجه عمومی از جهت مزاحمت یا مداخله نسبت به اعمال یا تصمیمات فرد (Garner, 2004, 1255). در فرهنگ حقوقی وبستر^۱ در توضیح «حق حریم خصوصی»^۲ آمده است: حق برای خود بودن^۳. همچنین در خصوص منشأ این حق اضافه کرده است که «حق حریم خصوصی عموماً از قوانین فدرال ناشی می‌شود که حق رها بودن از اشتهار غیرمجاز را تضمین نموده‌اند». افزون براین، در خصوص ارتباط حریم خصوصی با آزادی نیز به جدایی‌ناپذیر بودن حق نسبت به حریم خصوصی با حق نسبت به آزادی تأکید می‌کند (Wild, 2006, 207).

از سوی دیگر، درک ادبیات فلسفی رو به گسترش درباره حریم خصوصی، بررسی آن در قالب دو دسته اساسی است که به آن عنوان «تقلیل‌گرایی/ تحویل‌گرایی»^۴ و «ذات‌گرایی/ انسجام‌گرایی»^۵ داده است.

به صورت خلاصه می‌توان گفت، تقلیل‌گراها عموماً منتقد حریم خصوصی و منکر وجود مستقل آن هستند؛ درحالی که ذاتی‌گراها از پیوستگی و اساسی بودن ارزش منافع حریم خصوصی دفاع می‌کنند (Staples, 2007, 406).

فردیناند اسکومان^۶ تلاش کرده است تفاوت این دیدگاه‌ها را بیان کند. بر اساس تبیین ایشان، برخی معتقدند: مسائلی که به صورت سنتی با عنوان «مسائل حریم خصوصی» دسته‌بندی شده‌اند، موضوعاتی اساسی، یکپارچه و متمایزند. در مقابل این نظر، برخی بر این باورند که موضوعاتی که «حریم خصوصی» نام گرفته‌اند، متفاوت و مختلف‌اند؛ بنابراین به صورت جزئی و سطحی به هم ربط داده شده‌اند. به تعبیر دیگر، زمانی که ادعاهای حریم

-
1. Webster's Law Dictionary.
 2. Privacy, right of.
 3. The right to be left alone.
 4. Reductionism.
 5. Coherentism.
 6. Ferdinand Schoeman.

خصوصی از نظر اخلاقی قابلیت دفاع یافته‌اند، به اصولی اشاره می‌کنند که می‌توانند بدون هرگونه ارتباط با حریم خصوصی متمایز شوند. در نتیجه، چیزی به عنوان حریم خصوصی که از نظر اخلاقی قابل تمایز باشد وجود ندارد. وی در ادامه می‌گوید: من از دیدگاهی که معتقد است چیزی عام نسبت به بسیاری از مدعاهای حریم خصوصی وجود دارد، به عنوان «تز ذاتی/ انسجام»^۱ یاد می‌کنم (Schoeman, 1984, 406).

از منظر حقوق اسلامی می‌توان گفت، بیش از اینکه به صورت مستقل و منسجم به بحث حریم خصوصی توجه شود، بیشتر به شکل تحویل‌گرایانه بررسی شده است. به این معنی که مفهوم حریم خصوصی به عنوان یک مفهوم حقوقی تعریف شده و مستقل در منابع حقوق اسلامی معرفی نشده است، اما در دلایل متنی اسلام، مواردی از نص قرآن و سنت می‌توان یافت که جنبه‌هایی از آنچه را که ما امروزه حق حریم خصوصی می‌نامیم، بنیان می‌نهد. همچنین، زبان و گفتمان فقهی نیز با ویژگی‌های خاص خود حاکی از آن است که حریم خصوصی افراد همیشه یکی از دغدغه‌های حقوق‌دانان مسلمان بوده است. درعین حال، برای ارزیابی میزان اهتمام یک نظام حقوقی به موضوعی مانند حریم خصوصی، بسیار مهم است که به زبان و گفتمان و بستر اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری و تحول آن توجه شود. چه بسا در یک نظام حقوقی، بدون اینکه سخنی از حقی به عنوان حق حریم خصوصی به میان آمده باشد، آموزه‌ها و تعلیمات به‌گونه‌ای باشد که پیروان آن نظام به نحو مناسبی با حرمت گذاشتن به خلوت و حریم خصوصی افراد آشنا گردند و یا برای اجرای قانون نسبت به بزهکاری در حوزه شخصی و خلوت، ترتیبات خاصی پیش‌بینی گردد و یا شیوه دادرسی و ادله اثبات نسبت به موارد نقض حریم خصوصی به‌شکلی طراحی گردد که احراز و اثبات این قبیل جرائم را با مسائل خاصی روبرو کند. در مقابل نیز می‌توان مواردی را بررسی کرد که با وجود قوانین و مقررات حمایت‌کننده از حریم خصوصی، رویه عملی و یا ضرورت‌های موردنظر نظام سیاسی، حریم خصوصی را به‌شدت مخدوش و بی‌معنی ساخته است. نمونه معاصر، نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا است که با وجود مقررات مناسب و رویه قضایی متقن در حمایت از حریم خصوصی، در شرایط امنیتی به‌ویژه بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مقررات و رویه موجود به‌سرعت به ضرر حریم خصوصی تغییر کرد (آقابابی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)؛ به‌گونه‌ای که نویسندگان متعددی به‌خصوص در جامعه آمریکا که شاهد تغییرات گسترده سیاست جنایی و به‌ویژه حقوق کیفری به‌عنوان بخش محسوس و ملموس آن بودند، مرگ حریم خصوصی را اعلام کردند (Regan, 2004, 482; Posner, 2006, 8; Slobogin, 2007, 6).

براین اساس، برای مقایسه نظام‌های حقوقی در خصوص احترام نهادن به حریم خصوصی باید محتاط بود. بدون تردید، در موضوع مهمی مانند حریم خصوصی و خلوت، نمی‌توان فقط به صرف موجود بودن یا نبودن الفاظ و یا عبارتهایی که به‌خصوص در دوران معاصر به موضوع حق خلوت و حریم خصوصی اشاره دارند، جایگاه واقعی بحث در نظام‌های حقوقی را شناخت. درعین حال، این موضوع قابل انکار نیست که بحث حریم خصوصی و حق خلوت، آن‌گونه که به‌ویژه در سده‌های اخیر در گفتمان حقوقی به آن توجه شده، در بحث‌های دینی و از جمله مطالعات اسلامی به آن پرداخته نشده است. این موضوع در این حد ممکن است ایراد مهمی تلقی نگردد، ولی وقتی در گفتمان حقوقی و به‌خصوص نگاه ایدئولوژی لیبرالیستی به بحث گذاشته می‌شود، ضرورت پرداختن به موضوع از منظری درون دینی و تبیین جایگاه آن در شریعت را آشکار می‌سازد.^۱

گفتمان حقوقی در حوزه حریم خصوصی از دو منظر به موضوع پرداخته است؛ از یک سو، شناخت حق حریم خصوصی به عنوان حق منفی، به معنای به رسمیت شناختن حوزه‌ای که از مداخله دولت به دور است و از سوی دیگر به عنوان حق مثبت به معنای ابزارهای سیاست جنایی در حمایت از حق حریم خصوصی. بنابراین پرسش اساسی و چالش مهم برای طرح بحث در حقوق اسلامی، یکی از منظر جنبه سلبی است که با توجه به جامعیت و فراگیر بودن دستورات دین، این گونه مطرح می‌شود که چگونه می‌توان حوزه‌ای تصور نمود که به عنوان حوزه خصوصی، قانون شریعت قابل اجرا نباشد و آیا یک شهروند در کشوری که قانون شریعت در آن اجرا می‌شود، از چنین موقعیتی برخوردار است؟ پرسش دیگر، مصداق‌ها و

۱. در دهه‌های اخیر که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین اسلامی در ایران استقرار یافته است، بحث جایگاه حریم خصوصی و راهکارهای حمایت از آن یکی از مسائل مهمی بوده که کمتر به آن پرداخته شده است. اولین بحث‌ها در این حوزه به فرمانی از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ بازمی‌گردد که به دلیل اهمیت آن به فرمان هشت ماده‌ای مشهور گردید و یکی از محورهای مهم این فرمان که در سه بند به آن توجه شد، حریم خصوصی است. مفاد این فرمان در مقاله‌ای با عنوان حریم خصوص در نظام اسلامی بررسی شده است. افزون‌براین، در کتاب‌ها یا مقاله‌های محدودی که در این خصوص منتشر شده، به برخی از مصادیق حریم خصوصی از منظر حقوق اسلامی پرداخته شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک. انصاری، ۱۳۸۵؛ قیاسی، ۱۳۸۵؛ محسنی، ۱۳۹۰؛ نوبهار، ۱۳۸۷؛ رحمدل، ۱۳۸۴؛ منصور نژاد، ۱۳۸۷؛ مهریزی، ۱۳۸۷؛ نوبهار، ۱۳۸۸؛ تدین، ۱۳۸۸؛ علی‌اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱). از دیدگاه پیشینه تقنینی، در مقررات فراتقنینی و فروتقنینی ایران تصریحی به حق حریم خصوصی نشده و به صورت تحویل‌گرایانه به جلوه‌هایی از حق حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه شده است. افزون‌براین، در قوانین کیفری ایران نیز برخی از موارد نقض حق حریم خصوصی از قبیل حریم منزل و مسکن دارای ضمانت اجرای کیفری گردیده است. در سال ۱۳۸۴ لایحه‌ای با عنوان لایحه حریم خصوصی از طرف قوه مجریه به مجلس شورای اسلامی ارسال شد که سرنوشت نامشخصی یافت. نگارنده حاضر نیز تألیفی با عنوان حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست چاپ دارد که تلاش دارد مبانی و راهکارهای تضمین حریم خصوصی از منظر حقوق اسلامی را بررسی نماید.

جلوه‌های حریم خصوصی و راهبردهای حمایتی است که در شریعت برای تضمین حریم خصوصی پیش‌بینی شده است.

فرضیه این تحقیق در پاسخ به پرسش اول این است که جامعیت و فراگیر بودن دین به معنای ضرورت مداخله حقوقی نیست و لذا می‌توان با التزام به دستورات دینی و لازم‌الاجرا دانستن شریعت در حوزه عمومی و خصوصی، محدوده‌ای که نظام حقوقی را حقیقی برای مداخله در آن نیست، تصور کرد و در خصوص پرسش دوم، فرضیه تحقیق، وجود راهکارهایی خاص و ویژه در گفتمان دینی است که نمونه‌هایی از آن در متن کتاب آسمانی اسلام به صورت اجمال بررسی شده است.

برای بررسی و تحلیل فرضیه‌های اشاره‌شده، ابتدا به مفهوم و معنای قانون و حقوق در اسلام پرداخته‌ایم (گفتار نخست) و سپس چگونگی احترام به حوزه خصوصی در عین مداخله حقوقی و اجرای قانون نسبت به اعمال ارتكابی در خلوت، به بحث گذاشته شده (گفتار دوم) و سپس با توجه به آیات قرآنی، برخی از راهبردهای موردنظر اسلام در حمایت از حریم خصوصی بررسی شده است (گفتار سوم)

گفتار نخست، مفهوم حقوق در اسلام

یکی از مباحث مبنایی و تأثیرگذار در فهم و درک حق حریم خصوصی و حمایت از آن، مفهوم حقوق و قلمرو مداخله حقوقی است. مفهوم حقوق در «حقوق اسلامی» معنای معادلی در مفهوم حقوق، آن‌گونه که در سیستم‌های حقوقی مدرن به‌کار می‌رود ندارد. حقوق (Law) در دوران مدرن، قلمرو بسیار محدودتری نسبت به مفهوم حقوق در اسلام دارد (Atef Ahmad, 2009, 178). موضوع حقوق در اسلام، همه رفتارهای انسان‌هاست. حقوق اسلام یکی از پنج قضاوت را نسبت به همه افعال بشر دارد. این موارد که در گفتمان فقهی به عنوان «احکام خمس» معروف است (نراقی، ۱۴۱۵، ۲۵/۱۰؛ گرجی، ۱۴۲۱، ص ۱۰)، عبارت‌اند از: حرام (مانند سرقت)، مکروه (مانند اتلاف وقت)، مستحب (مانند احسان و نیکوکاری)، واجب (مانند نمازهای روزانه) و مباح (مانند سفر برای تفریح).

وقتی فرد در انجام واجبی کوتاهی می‌کند یا امر ممنوعی را مرتکب می‌شود، در معرض مجازات الهی قرار می‌گیرد. در مقابل، کسانی که یک عمل واجب یا مستحب را انجام دهند یا از آنچه منع شده (حرام) یا قابل سرزنش است (مکروه) خودداری کنند، دارای اجر و پاداش هستند. به این ترتیب، اعمالی که به عنوان مباح دسته‌بندی می‌شوند، وقتی با قصدی همراه شوند که وضعیت بی‌طرفی آنها را تغییر می‌دهد، بی‌طرفی و مباح بودن خود را از دست می‌دهند؛ بنابراین بسته به اینکه با قصد خوب یا بد انجام شده باشند، خواستنی و یا نخواستنی می‌شوند.

تفاوت دیگر حقوق در اسلام با حقوق در یک سیستم حقوقی امروزی، به آنچه که به عنوان طبیعت سیاسی واقعۀ حقوق، به‌ویژه در جوامع مدرن اطلاق می‌شود، مرتبط است. درست است که اسلام یک دین سیاسی است و هم از نظر تئوری و هم در مقام عمل به دنبال تحقق حکومت و الزام سیاسی یا دولتی پشتیبان تعلیمات خود بوده است درعین حال، حقوق اسلام با مفهوم جامع اشاره شده در بالا، بدون توجه به وجود یا امکان هرگونه الزام دولتی، موجود فرض می‌شود؛ یعنی چون حقوق در اسلام عمدتاً مبتنی بر اطلاع از متون دینی و واقعیت‌های اجتماعی و حکم شرعی مترتب بر افعال و رفتار مسلمانان است، یک فقیه مورداعتماد و باصلاحیت (جامع‌الشرایط) می‌تواند فتوا یا حکم فقهی صادر کند و دین‌داران وظیفه دارند صرف‌نظر از وجود یا نبود قدرت اجرایی دولتی، از آن پیروی کنند^۱. مجازات‌ها و جبران خسارت‌هایی که دولت در یک جامعه اسلامی اعمال می‌کند، تنها نشانگر وجود حقوق در اسلام نیست. ضمن اینکه برخی از چیزهایی که به عنوان بخشی از مقررات یا احکام در اسلام مطرح هستند، در عالم واقعیت نمی‌تواند از سوی هیچ‌کس تحمیل شود؛ مگر کسانی که مایل هستند آن را نسبت به خود اعمال کنند، مانند وظیفه روزه ماه رمضان و یا تکالیف دیگری که در دستۀ عبادات قرار می‌گیرند.

این دو تفاوت، ارتباط خاصی به بحث ما در موضوع حریم خصوصی در حقوق اسلام دارد. این واقعیت که همه رفتار انسان‌ها تحت صلاحیت حقوق در اسلام قرار دارد، در کنار این آموزه که به مسلمانان دستور داده شده است به تشویق خوبی و نهی از کارهای پلید (امر به معروف و نهی از منکر) پردازند،^۲ این شبهه را برای برخی ایجاد کرده است که حریم خصوصی یک شهروند در جامعه اسلامی دست‌کم در مقایسه با همتای خودش در یک جامعه مدرن غربی باید بسیار متفاوت باشد (کوک، ۱۳۸۶، ۷۶۴/۲).

به نظر می‌رسد طرح این شبهه ناشی از بی‌توجهی به دو نکته است :

نخست اینکه این نگاه برای این واقعیت که این اعمال قانون موقوف به اجرا از سوی دولت نیست، حساب باز نمی‌کند که بر فرض ارتباط ضروری بین غیرقانونی بودن جنبه‌های خاصی از رفتار خصوصی مردم و مداخله دولتی، علامت سؤال قرار می‌دهد.

دوم اینکه این نگاه این واقعیت را نادیده می‌گیرد که جنبه‌های محرمانه زندگی خصوصی که حقوق اسلامی در آن مداخله یا آن را تنظیم می‌کند (مانند روابط جنسی)، فقط در صورت وجود استانداردهای بالای ویژه، از نظر شهود و دلایل، قابل بحث و بررسی در دادگاه است.

۱. فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو نمونه‌ای از این فتاوی است؛ در شرایطی که نه تنها قدرت اجرایی و حکومتی در اختیار ایشان نبود، بلکه فتوایی در مقابل خواست و اراده دولت وقت محسوب می‌شد.
 ۲. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران/ ۱۱۰)

برای مثال، فقهای مسلمان اجماع و اتفاق نظر دارند که تنها چهار شاهد عادل که تمایل دارند تأیید کنند که آنها عمل جنسی نامشروع بین دو فرد بالغ را به صورت خاص مشاهده کرده‌اند، می‌توانند دلیل کافی برای یک پرونده زنا باشند (نجفی، ۲۹۹/۴۱). وقتی شهادتی بدون آن استانداردها اقامه گردد، به حکم آیه ۴ سوره نور، کسانی که این شهادت را اقامه کرده‌اند، به عنوان کذب‌کننده مجازات می‌شوند و افزون‌براین، از اینکه به عنوان شاهد در جای دیگری هم شهادت بدهند محروم می‌شوند.^۱ این واقعیت‌ها باید قبل از هرگونه نتیجه‌ای در این خصوص که تنظیم روابط خصوصی مردم در حقوق اسلامی به معنای نبود ارزش برای حریم خصوصی است، در نظر گرفته شود. یکی از نویسندگان برای حل چالش موجود بین وظیفه نهی از منکر و منع تجسس و احترام حریم خصوصی، اظهار نظر نموده که آنچه در حقوق اسلامی حمایت می‌شود، حریم خصوصی نیست، بلکه گناه پنهان است (کوک، ۱۳۶۴، ص ۷۶۴). در این خصوص می‌توان گفت، بحث گناه یا دایره تحریم، به جامعیت شریعت و تربیت الهی موردنظر دین بازگشت می‌کند که یک فرد مسلمان باید در همه حال و در همه جا خود را تحت نظارت ببیند و رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم کند که به اقتضای اعتقاد و ایمان خود قادر به پاسخ‌گویی باشد. در عین حال، ترتیبات و سخت‌گیری‌های اقامه شهادت در گناهان پنهان به‌ویژه روابط جنسی به گونه‌ای است که می‌تواند حریم خصوصی به مفهوم موردنظر نویسنده را تضمین کند. استنتاج غلط دیگر از اینکه اسلام زندگی خصوصی مردم را تنظیم می‌کند، گفتن این است که در فرهنگ اسلامی مسائلی مانند روابط جنسی از نظر ماهیت نباید خصوصی تلقی شوند. این دیدگاه نیز بین صلاحیت قانون بر مسائل خصوصی و توصیف مسائل خصوصی به عنوان حریم خصوصی، ارتباط ضروری فرض می‌کند. حقوق اسلامی، روابط جنسی خارج از رابطه زناشویی را غیرقانونی می‌داند؛ نه به این دلیل که این‌گونه اعمال در فرهنگ اسلامی از نظر طبیعت و ماهیت خصوصی نیستند، بلکه با وجود ماهیت خصوصی خود، غیرقانونی هستند. پس اینکه طبق ایدئولوژی لیبرال و دین جدا، احترام حریم خصوصی این گونه بوده است که موضوعات خصوصی تنظیم نشوند، مستلزم این نیست که یک نظام حقوقی که نسبت به تنظیم در این حوزه‌ها دخالتی ندارد، در مقایسه با نظام دیگری که این تنظیم را انجام می‌دهد، حریم خصوصی بیشتری را قائل است. به صورت کوتاه، جامعیت حقوق اسلامی، آن‌گونه که در بالا توصیف شد، نباید معارض با مفهوم حریم خصوصی جلوه داده شود. این موضوع در مبحث حریم خصوصی و اجرای قانون بیشتر بررسی می‌شود.

۱. وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور / ۴).

گفتار دوم، حریم خصوصی و اجرای قانون

یکی دیگر از مسائل مهم در بررسی شیوه‌های تضمین حق حریم خصوصی در حقوق اسلامی، ارتباط احترام به حریم خصوصی با اجرای قانون است. به عبارت دیگر، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حرمت نهادن به حریم خصوصی شهروندان می‌تواند بهانه‌ای برای نقض قانون در حوزه خصوصی باشد؟ زمینه طرح این پرسش به دیدگاه شریعت به مسئولیت انسان در رعایت دستورات شریعت در خلوت و جلوت و این اصل که عالم محضر خداست و در محضر خدا گناه شایسته انسان مومن نیست، بازمی‌گردد. به صورت اجمالی می‌توان به این پرسش به راحتی پاسخ داد که حرمت نهادن به حریم خصوصی و خلوت افراد، لزوماً به معنای اجازه نقض قانون در خلوت نیست. دلیل این ادعا، یکی وجود حقوق خانواده و الزامات آن است؛ به این معنا که قانون می‌تواند زن و شوهری را که زیر یک سقف زندگی می‌کنند یا به علت طلاق جدا از هم هستند، وادار کند بسیاری از گفتگوهای مربوط به عروسی یا طلاق را که در محیط‌های خصوصی اتفاق افتاده است افشا کنند. افزون‌براین، معلوم است که در جوامعی که برای حریم خصوصی ارزش قائل هستند، تجسس در محیط‌های شخصی برای تحصیل دلایل حقوقی مرتبط با دعاوی حقوقی یا کیفری فراوان اتفاق می‌افتد. بسیاری از فعالیت‌های غیرقانونی مانند خشونت خانوادگی، سوء مصرف مواد مخدر، کودک‌آزاری، سقط جنین و جرائمی از این دست، معمولاً در محیط‌های خصوصی اتفاق می‌افتد و هیچ سیستم حقوقی نیست که به عنوان حمایت کامل از حریم خصوصی، از اجرای قانون نسبت به این قبیل مسائل خودداری کند. با این همه، این موضوع هم مسلم است که هر کجا ظن به نقض قانون در خلوت مطرح شود، حق نسبت به حریم خصوصی معلق نمی‌شود. بنابراین، لازم است تعادل و توازن در احترام به قانون و حریم خصوصی شهروندان برقرار گردد.

از منظر دیگر، با توجه به بحثی که در بخش پیشین هم به آن اشاره شد، از نظر حقوق‌دانان اسلامی، میان موضوع حرمت برخی رفتارها (تحریم) و جرم و قابل تعقیب دانستن ارتکاب آنها (تجریم)، به خصوص درباره رفتارهایی که در خلوت و حریم خصوصی اتفاق می‌افتد، تفاوت وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). بر این اساس، دیدگاه‌های فقهی و مستنداتی با مضمون «التعزیر لکل عمل محرم» با توجه به مشکلات نظری و عملی، الزاماً به معنای جواز مداخله قضایی و اجرای مجازات کیفری تعزیری به مفهوم متعارف که در حبس، شلاق و جزای نقدی تبلور یافته است، نخواهد بود و بر اساس دیدگاه‌های برخی از حقوق‌دانان اسلامی می‌توان رابطه میان حوزه حرام‌های شرعی و حوزه مسئولیت کیفری و جرم‌انگاری را عام و خاص من وجه دانست (همان، ص ۱۵۵). مسئولیت انسان در قبال خالق خویش و انجام عبودیت و تربیت دینی، اقتضا دارد که انسان با ایمان نه تنها در حوزه عمومی رسم عبودیت و بندگی را به جای

آورد، بلکه در خلوت خود هم از انجام رفتاری که به اقتضای آثار نامطلوب تربیتی، خداوند آن را ممنوع کرده است اجتناب نماید. از این نگاه، حتی در آموزه‌های اسلامی، فکر و قصد ارتکاب گناه^۱ و یا رضایت به گناهی که دیگری آن را انجام می‌دهد هم نهی شده است؛ زیرا کسی که فکر ارتکاب گناه می‌کند، چه بسا به انجام آن هم شوق بیابد: من کثر فکره فی المعاصی دعته الیه (برازش، ۱۳۶۱، ص ۸۲).

با توجه به این بحث، برخورد بین حمایت از حریم خصوصی و اجرای قانون، پرسش‌های جالبی را در زمینه آئین دادرسی و ادله اثبات کیفری به‌ویژه ارزش اثباتی اقرار و شهادت افراد نسبت به مسائلی که در خلوت و محیط‌های خصوصی اتفاق افتاده است ایجاد می‌کند که در قسمت بعدی به عنوان یکی از راهبردهای حمایت از حریم خصوصی به آن اشاره می‌شود.

گفتار سوم، ادله اثبات دعوی کیفری در حقوق اسلامی

الف) شهادت

وقتی جرمی در یک محیط شخصی و خصوصی اتفاق می‌افتد، در کنار اقرار مرتکبان، شهادت افرادی که به صورت اتفاقی در محیط خصوصی بوده‌اند و یا احیاناً سرکشی فضولانه به محیط خصوصی داشته‌اند، تنها شانس است که اجرای قانون را نسبت به جرم ارتکاب یافته در محیط خصوصی تضمین می‌کند. در این شرایط چه باید بکنیم؟ آیا در دفاع از حریم خصوصی، قانون‌گذار باید شهود را از ادای شهادت منع کند یا به اقرار فرد نسبت به جرم ارتکابی توجه نکند و یا در راستای اجرای قانون، ضمن ترتیب اثر دادن به محتوای اقرار فرد، باید شهادت شهودی که از وقوع جرمی در خلوت خبر می‌دهند، پذیرفته شود؟ در نظام سیاست جنایی اسلامی، با توجه به جداسازی قلمرو تکلیف و گناه- رابطه بنده و خالق- از قلمرو مداخله نظام حقوقی- رابطه دولت و شهروندان- این پرسش اساسی مطرح است که وظیفه یا تکلیف مسلمانی که شاهد ارتکاب گناهی در خلوت است چیست و در چارچوب حقوقی ارزش اقرار و یا ادای شهادت نسبت به جرائمی که در خلوت صورت گرفته است چیست؟ برای نمونه، با توجه به قلمرو جرم‌انگاری رفتارهای جنسی ولو با رضایت در حقوق اسلامی، در چالش میان حریم خصوصی و اجرای قانون، کدام جنبه ترجیح داده می‌شود؟ تکلیف افرادی که شاهد این

۱. ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله (بقره/ ۲۸۴)، ان السمع و البصر و الفؤاد کان عنه مسئولاً (اسراء/ ۳۶)؛ و این روایت از پیامبر اسلام که قصد قتل را قابل مجازات دانسته است: إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيِّئِيهِمَا عَلَى غَيْرِ سُنَّةِ الْقَاتِلِ وَالْمَقْتُولِ فِي النَّارِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ قَالَ لِأَنَّهُ أَرَادَ قَتْلًا (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۷۴/۶).

۲. وَ قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاجِلِ مَعَهُمْ فِيهِ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ الرِّضَا بِهِ؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَ السَّخَطُ فَمَنْ رَضِيَ أَمْرًا فَقَدْ دَخَلَ فِيهِ وَ مَنْ سَخَطَهُ فَقَدْ خَرَجَ مِنْهُ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴۱/۱۶).

جرائم بوده‌اند چیست و سیاست جنایی اسلامی در خصوص این موارد چه راهکاری را پیشنهاد کرده است؟ آیا آگاهی از رویه‌های حکومتی در صدر اسلام نسبت به این سیاست، قابل استفاده خواهد بود؟

مستندات قرآنی در خصوص حرمت منزل و مسکن اشخاص^۱ و یا ممنوع بودن تجسس^۲ از محل‌های خصوصی و یا تقبیح افشا و انتشار جرائم پنهان افراد^۳، یا توصیه به توبه نسبت به گناهان ارتكابی در خلوت و عدم افشای آن^۴، ممکن است برای ایجاد وظیفه برای مردم در احترام به حریم خصوصی دیگران در خانه‌های خصوصیشان و همین‌طور ایجاد حریم خصوصی ارتباطاتشان کافی باشد. باین‌حال، هیچ‌کدام از متون یادشده یا متون مشابه، حکمی در خصوص ممنوع بودن انتقال محتوای برخورد خصوصی که ممکن است به عنوان مدرک قانونی ضرورت پیدا کند بیان نمی‌کنند. برخی از آیات قرآن و سنت که بر اهمیت تحمل اختیاری شهادت که برای اجرای عدالت به آن نیاز است تأکید کرده‌اند، موضوع را پیچیده می‌کند. بر اساس آیاتی از قرآن، مسلمانان تشویق شده‌اند که شهادت خویش را کتمان نکنند و اگر درانجام وظیفه خویش کوتاهی کنند (اذا ما دعوا- وقتی از آنها خواسته می‌شود)، گناهکار محسوب می‌شوند^۵. باوجود اینکه موضوع اصلی در این آیات، مسئله دین و لزوم کتابت آن است، درعین‌حال، با توجه به اینکه مورد نزول تخصیص‌زنده حکم کلی مندرج در آیه، یعنی تشویق به تحمل شهادت و کتمان نکردن آن نیست، فقیهان مسلمان از این آیه استنتاج کرده‌اند که قصور در ادای شهادت، گناه بزرگی است و ادای شهادت مورد نیاز، وظیفه همه کسان است که صلاحیت و توانایی آن را دارند؛ مگر اینکه دیگران به اندازه نیاز آن را انجام داده باشند. البته در خصوص واجب عینی یا کفایی بودن ادای شهادت، میان علما اختلاف نظر وجود دارد که قول مشهور در میان فقیهان امامیه این است که ادای شهادت واجب کفایی است (خویی، ۱۷۰/۱). همچنین برخی از فقها بحث کتمان شهادت را در ردیف شهادت دروغ (شهادت الزور) دانسته‌اند؛ با این تفاوت که بر مسئولیت شهادت دروغ از نظر ضمانت و جبران ضرر و

۱. (۲۴) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور/۲۷-۲۸).

۲. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا (حجرات/۱۲).

۳. إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نور/۱۹)

۴. در حدیثی که از حضرت علی (ع) نقل شده بعد از اقرار فردی به عمل مجرمانه و دستور پیگیری آن حضرت فرمودند: مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ أَنْ يَأْتِيَ بَعْضَ هَذِهِ الْفَوَاحِشِ فَيُفْضِحَ نَفْسَهُ عَلَى رُءُوسِ الْمَلَأِ أَوْ قَالَ تَابَ فِي بَيْتِهِ فَوَاللَّهِ لَتَوْتِبُنَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ إِقَامَتِي عَلَيْهِ الْخَدِّ حَدِيثٌ دَبَّغِيٌّ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ (ص) به همین مضمون نقل شده است: أَتَى النَّبِيَّ صَ رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي زَنَيْتُ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ اسْتَبْرَأْتُمْ تَابَ كَانَ خَيْرًا لَهُ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷/۲۸).

۵. وَلَا يَأْتِبُ الشَّهَادَةَ إِذَا مَا دُعُوا... وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (بقره/۲۸۳-۲۸۲).

زیان ناشی از آن دلیل وجود دارد، اما در خصوص کتمان شهادت، مسئولیتی وجود ندارد (کلپایگانی، ۱۴۰۵، ص ۱۱).

درعین حال، همان گونه که قبلاً در خصوص استاندارد بالای شهادت در پرونده های فحشا و زنا اشاره کردیم، شرط شهادت چهار شاهد عادل برای تعقیب فردی که متهم به زنا است،^۱ راهبردی برای مخفی ماندن گناهی است که به دلیل طبیعت خاص در خلوت و به صورت پنهانی انجام شده و از این منظر، نشانگر سیاست جنایی اسلام در ایجاد مانع در مرحله اثبات و افشای رفتار ارتكابی در حریم خصوصی است؛ زیرا چنین شرطی، فرد کنجکاو را از نقض حریم خصوصی کسانی که ممکن است در حریم خصوصی خود مرتکب چنین اقدامات غیرقانونی شوند، باز می‌دارد. افزون بر این، با توجه به ویژگی‌ها و صفات شخصی‌ای که برای شاهد لازم است و از جمله صفت عدالت، برخی از دیدگاه‌های فقهی تحمل و ادای شهادتی را که با تجسس غیرمجاز و فضولانه صورت گرفته باشد، از موارد رد شهادت دانسته‌اند (جاویدزاده، میره‌ای و پیوندی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹). این بازدارندگی وقتی به نقطه اوج خود می‌رسد که ترس این وجود دارد که حتی اگر سه نفر شهادت بدهند، نه تنها متهم تعقیب نشود، بلکه سه شاهد یادشده به عنوان کذب‌کننده تعقیب شوند (نور/۲۱). حکایت زیر در خصوص عمر بن خطاب، خلیفه دوم، آموزنده است. وقتی خلیفه بالای سر افرادی که داخل خانه خود در حال گفتگو بودند قرار گرفت، برای او آشکار شد که آنها در حال نوشیدن شراب هستند. عمر در آن زمان حاکم بود و نوشیدن شراب نقض احکام اسلام به‌شمار می‌رفت. عمر خواست که این موضوع را تعقیب کند. همراهان خلیفه و در برخی نقل‌ها، مشروب‌خواران استدلال کردند که شهادت عمر نسبت به موضوع شرب خمر، اگر به محاکمه و دادرسی قاضی مسلمان سپرده شود، نباید به آن توجه کرد، زیرا این شهادت با نقض نهی از تجسس در امور خصوصی مردم به‌دست آمده است. عمر این استدلال را پذیرفت و از تعقیب و مجازات مشروب‌خوران صرف‌نظر کرد.^۲ نکته مهم این حکایت از نقطه نظر بحث ما این است که رعایت حریم خصوصی افراد در کشف جرم ضروری است و کشف جرمی که با نقض حریم خصوصی حتی با شهادت حاکم

۱. وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ (نور/ ۲۱)؛ «لَوْ لَا جَاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ» (نور/ ۱۳) «فَأَمْسَتْ شَهْدُهَا عَلَيْنَ أَرْبَعَةٍ مِنْكُمْ» (نساء/ ۱۵)

۲. بنا بر آنچه در کتاب‌های تفسیری و روایی درج شده، مرد با تندی می‌گوید که اگر او یک گناه کرده، عمر در حقیقت سه گناه مرتکب شده است: او تجسس کرده است، درحالی‌که قرآن می‌فرماید: لَا تَجَسَّسُوا (حجرات/ ۱۲)؛ از پشت بام وارد شده است، درحالی‌که خداوند می‌فرماید: از درها به خانه درآید (بقره/ ۱۸۹)؛ او بدون سلام کردن وارد شده است، درحالی‌که خداوند می‌فرماید: بی‌آنکه اجازت طلبیده، بر ساکنانش سلام کرده باشید، داخل مشوید (نور/ ۲۷). عمر مرد را به حال خود وا گذاشت و تأکید کرد که او باید از این کار توبه کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۳۴۰؛ منتظری، ۱۳۷۱، ص ۲۷۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۳۷۹/۱، کوک، ۱۳۸۶، ۱۵۳/۱).

مسلمان تحقق یابد، ترتیب اثر داده نمی‌شود. شاید بتوان از مضمون این نقل تاریخی که به شکل‌های مختلفی در کتاب‌های اهل سنت و تشیع آمده است، برداشت کرد که ظاهراً برای خلیفه مسلمانان و اطرافیان و مشاوران وی این موضوع نیز مسلم بوده که حاکم در جایی که با تجسس و تفحص غیرمشروع تحصیل دلیل نموده است، نه می‌تواند شهادت بر وقوع این جرم بدهد و نه به عنوان علم قاضی می‌تواند حکم صادر نماید. با تنقیح مناط و ملاک اشاره شده می‌توان گفت، اگر تحصیل دلیل و کشف جرم از طریق تجسس غیرمشروع قابل استناد نیست، استفاده غیرمجاز از فناوری‌های نوین مانند دوربین یا میکروفن‌های مخفی و ابزارهای دیگر برای کشف جرائم احتمالی در حریم خصوصی و خلوت افراد نیز قابل استناد نخواهد بود.

مثال دیگر برای حمایت از حریم خصوصی در ادله اثبات این است که برخی فقهای مسلمان اهل سنت، عدم تمایل خود به قبول شهادت له یا علیه افراد خانواده را مطرح کرده‌اند (Atef Ahmad, 2009, 181). با توجه به اینکه افراد خانواده آشناترین اشخاص به جزئیات زندگی خصوصی همدیگر هستند، این بی‌توجهی نسبت به شهادت علیه افراد خانواده، می‌تواند راهبردی برای حمایت از خلوت افراد خانواده باشد؛ هر چند فقهای مسلمان برای توجیه این عدم تمایل، به مسئله خلوت و حریم خصوصی اشاره نکرده‌اند. البته برخی فقیهان امامیه به صورت صریح‌تری رابطه نسبی یا سببی را در شهادت بدون تأثیر دانسته و با توجه به اطلاقات و عمومات باب شهادت، شهادت له و علیه افراد فامیل را پذیرفته‌اند. با این حال، در خصوص قبول شهادت فرزند علیه پدر، یا شهادت زن علیه مرد، اختلافاتی وجود دارد (خویی، ۱۱۹/۱). در همین زمینه، آیات ۶ تا ۹ سوره نور توجه برانگیز است که گواهی مرد نسبت به زنا همسر خود را قابل پذیرش ندانسته و بر اساس حکم عام یادشده در آیه ۴ همین سوره، مستلزم اجرای حد قذف است؛ مگر اینکه طبق ترتیبی که در آیات پیش گفته بیان شده است، مرد برای فرار از حد قذف، ترتیبات «لعان» را بپذیرد^۱ که انفساخ عقد نکاح و حرمت ابدی ازدواج با آن زن، از تبعات آن است (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۳۲۵/۲). این شرایط حتی در فرضی که زوج در جمع چهارنفری باشد که گواهی بر ارتکاب زنا داده‌اند نیز از سوی برخی نظریات فقهی، نظر راجح دانسته شده است (همان). البته بحث جواز قتل همسر و فرد مهاجم در صورت مشاهده آنها در حال زنا از طرف زوج، داستان مفصلی دارد که محل بحث آن در اینجا نیست^۲، ولی برخی دیدگاه‌های فقهی، مشروعیت این قتل را به‌ویژه در صورتی که امکان اثبات آن از طریق چهار شاهد وجود نداشته باشد، به‌طور جدی تردیدآمیز دانسته‌اند (محقق خویی، ۸۴/۲). در قوانین

۱. وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ وَالْغَائِبَةُ أَرْبَعٌ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ وَ يَذَرُونَهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَافِرِينَ (نور/ ۹-۶)

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص موضوع ر.ک. آقابابایی، ۱۳۸۷، ص ۴۹.

کیفری ایران، هر چند شهادت اعضای خانواده علیه همدیگر منعی ندارد (مگر اینکه شرایط کلی شهادت موجود نباشد)، ولی در خصوص مسائلی که در محیط‌های خصوصی و خانوادگی امکان وقوع بیشتری دارد، یعنی مخفی کردن و یا فراری دادن متهمان، به صراحت اعلام شده و در صورتی که شهادت از طرف نزدیکان و اقارب نسبی و سببی متهم یا متهمان صورت گرفته باشد، موجب معافیت^۱ یا تخفیف مجازات^۲ مرتکب خواهد بود.

یک مثال برجسته از حمایت از حریم خصوصی در حقوق ادله اثبات، این است که بر اساس فقه حنفی، اگر کسی به ارتکاب جرمی در حضور فردی اقرار کند (از روی اعتماد) و از او بخواهد که به دیگران منتقل نکند، شهادت بر اقرار باید از شمار دلایل علیه اقرارکننده حذف شود. اما اگر فرد تصمیم گرفت که حریم خصوصی اقرارکننده را به هر حال نقض کند چه می‌شود؟ در اینجا اختلافاتی وجود دارد. برخی فقهای حنفی از قاضی خواسته‌اند که چنین شهادتی را استماع کند و برخی دیگر چنین نظری ندارند (Atef Ahmad, 2009, 181).

ب) اقرار

همان‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، شهادت و گواهی بر ارتکاب جرم نسبت به جرائم ارتكابی در خلوت، با محدودیت‌های متعددی روبرو است که تا حد زیادی اثبات و احراز این قبیل جرائم را به خصوص جرائمی که ذیل باب حدود قرار می‌گیرند و استانداردهای بسیار سخت‌گیرانه‌ای دارند، با مشکل مواجه می‌کند. در کنار شهادت، اقرار و اعتراف به ارتکاب گناه یا جرم ارتكابی در خلوت، یکی از موضوعاتی است که امکان کشف این جرائم را فراهم می‌کند. در این زمینه، سیاست جنایی اسلام به صورت کلی، توصیه به توبه نسبت به جرائم ارتكابی در خلوت و عدم افشا و اقرار قضایی نسبت به آنها، به‌ویژه در مواردی است که به

۱. بر اساس ماده ۱۲۴ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، هر کس از وقوع جنایت یا جنحه مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند یا اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند که عالم به عدم صحت آن باشد، به ترتیب ذیر مجازات خواهد شد..... اشخاص ذیر از مجازاتهای یادشده در این ماده و ماده قبل معاف‌اند:

زوج و زوجه هر چند مطلقه باشند.

پدر و مادر و اجداد- اولاد و احفاد- برادران و خواهران و اشخاصی که با مجرمین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

۲. در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ آمده است: هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره: در موارد یادشده در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد، مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

نقض حقوق یا ضرر به افراد نیانجامیده باشد. توبه در جرائمی که دارای جنبه حق‌اللهی محض هستند، هم در مرحله قبل از مداخله حاکم و قاضی و هم در صورت طرح موضوع در محکمه و در جریان دادرسی، بسیار توصیه شده است. به‌طور کلی به مسلمانان سفارش شده است که اگر گرفتار گناهی شرمسارکننده شدند که خداوند نخواسته افشا شود، خودشان آن را افشا نکنند.^۱

بنابر حدیثی که در منابع روایی شیعه و اهل سنت به صورت گسترده به آن توجه شده است، پیامبر اسلام [ص] به صورت مکرر روی خود را از مردی (ماعر بن مالک) که می‌خواست نزد او اقرار به ارتکاب زنا کند، برگرداند. وقتی مرد بر اقرار خود برای بار چهارم اصرار کرد، پیامبر احتمال داد که وضعیت روانی یا مستی فرد او را به اقرار وادار کرده باشد؛ پس به بررسی این موضوع پرداخت.^۲

با توجه به آیات متعددی که در قرآن کریم به اهمیت توبه و نقش سازنده آن اشاره کرده است و قضیه ماعر و مواردی شبیه به آن، می‌توان این گونه برداشت کرد که مردم به اقرار بر گناهی که تعقیب نشده است، تشویق نشده‌اند و در صورتی که حق دیگران تضییع نشده باشد، جرم‌پوشی و افشا نکردن آن نه تنها به دیگران، بلکه به خود مرتکب هم توصیه شده است و فرد گناهکار می‌تواند در پیشگاه خالق نسبت به جبران خطاهای پوشیده نگاه‌داشته خود توبه نماید. روشن است که چنین قاعده‌ای بر حریم خصوصی افراد تأکید می‌کند. بنابراین، حتی اگر همان‌گونه که اشاره کردیم، بیان قرآن یا روایات حمایت از حریم خصوصی نیست، بلکه جرم‌پوشی و ستر گناه پنهان است، اتخاذ این سیاست تا حد زیادی به حمایت از حریم خصوصی کمک می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت، اهمیت حمایت از حق حریم خصوصی به وسیله حقوق ادله اثبات در اسلام در این واقعیت نهفته است که این شاخه از حقوق در موضوعات حقوقی و کیفری جایگاه مؤثری دارد؛ زیرا برای اثبات اینکه آیا حاصل و ثمری در اعلام غیرقانونی بودن عمل هست یا نه، ادله اثبات آخرین مرجع است. وقتی موازین ادله اثبات برای تعقیب و

۱. در این زمینه حدیثی از پیامبر اسلام نقل شده است: من أتى من هذه القادورات شيئاً فستر ستره الله و أن من بدا صفحه أقمنا عليه الحد. همچنین از حضرت علی (ع) نقل شده است که در مورد فردی که برای انجام عمل خلاف عفت ارتکابی در خلوت چهار بار نزد ایشان اقرار کرد فرمودند: ما أفتح في الرجل منكم أن يأتي بعض هذه الفواحش فيفضح نفسه على رؤوس الملأ، أ فلا تاب في بيته؟ فوالله لتوبته في ما بينه و بين الله أفضل من إقامة الحد عليه (نجفی، ۲۸۵/۴۱).

۲. «أن ماعر بن مالک جاء إلى النبي (صلى الله عليه و آله) فقال: يا رسول الله إني زنيت، فأعرض عنه، ثم جاء من شقه الأيمن، فقال: يا رسول الله إني قد زنيت، فأعرض عنه، ثم جاء فقال: إني قد زنيت ثم جاء فقال: إني قد زنيت، قال: ذلك أربع مرات، فقال: أ بك جنون؟ قال: لا يا رسول الله....»

محاكمه كسانی كه متهم به جرائم مرتبط با حریم خصوصی هستند محدودیت‌هایی قرار می‌دهد، به صورت غیرمستقیم حریم خصوصی را حمایت می‌کند.

نتیجه

با توجه به بررسی اجمالی برخی از راهبردهای حمایت از حریم خصوصی و خلوت در دلایل متنی حقوق اسلامی و به‌ویژه آیات متعدد قرآن کریم، می‌توان نتیجه گرفت که برای بررسی و ارزیابی میزان حمایت از حریم خصوصی در هر جامعه یا نظام حقوقی، بیش از این که به بود و نبود الفاظ حریم خصوصی توجه کنیم، باید به بسترهای خاص شکل‌گیری و توسعه و به‌خصوص زبان خاص آن نظام حقوقی دقت داشته باشیم. با توجه به دیدگاه‌های نظری مختلف در خصوص ماهیت حریم خصوصی، می‌توان گفت بر اساس آموزه‌های حقوق اسلامی، به حریم خصوصی به عنوان یک ارزش اساسی به صورت تحویل‌گرایانه و با زبان خاص شریعت توجه و از آن حمایت می‌شود و در برابر بسیاری ملاحظات دیگر مانند مسئله اجرای قانون و مداخله نظام حقوقی متوازن شده است. بنابراین با توجه به فرضیه تحقیق، جامعیت دین و جریان و الزام دستورات شریعت فارغ از وجود قدرت سیاسی دینی، به معنای مداخله حقوقی و توسعه ضمانت اجراها نسبت به رفتارهای ارتكابی در خلوت نیست. بلکه آموزه‌های تحریمی شریعت، آگاهی دادن و تعلیم دین‌داران نسبت به اموری است که تجربه آنها برای تربیت دینی آنها زیان‌بار است و وجود نواهی و حرام‌هایی که در حریم خصوصی و خلوت امکان تبلور می‌یابند، به معنای تمایل شریعت به تعقیب حقوقی و مجازات مرتکبان آن رفتارها نیست. این موضوع افزون‌بر اینکه در متن قرآن کریم و سنت تبلور یافته و از فهم و رفتار مقامات سیاسی اسلام به‌خصوص در دوران خلفای صدر اسلام قابل استفاده است، به صورت خاص در ادله اثبات در حقوق اسلامی منعکس شده است. ادله اثبات دعوی و حقوق آئین دادرسی جایگاهی است که تمایل شریعت به تعقیب رفتارهای ارتكابی در خلوت قابل اندازه‌گیری است. بررسی‌های این تحقیق در خصوص اقرار، شهادت و حتی علم قاضی که مهم‌ترین ادله اثبات دعوی در اسلام هستند، حاکی از این است که با توجه به موضوعیت داشتن این ادله در اثبات جرائم، نه تنها به اقرار و تحمل شهادت بر جرائم ارتكابی در خلوت توصیه نشده، بلکه به توبه نسبت به گناهان ارتكابی در خلوت و عدم اقرار به آن و بی‌اعتباری ادله به‌دست آمده از راه تجسس و سخت‌گیری‌های خاص در ادای شهادت نیز تصریح شده است. در مجموع می‌توان گفت با وجود حضور دین در خلوت و جلوت و تکلیف دین‌داران به پایبندی به قوانین شریعت در خلوت و حریم خصوصی، بر اساس دلایل متنی حقوق

اسلامی، حریم خصوصی از راه‌های مختلفی حمایت می‌شود که حقوق ادله اثبات، به‌خصوص در جرائمی که جنبه حق‌اللهی دارند، یکی از این راه‌ها است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

قرآن کریم

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۸-۱.
۲. آقابابایی، حسین، احمدی ناطور، زهرا (۱۳۹۱). فناوری دروغ سنجی تهدیدی علیه حریم خصوصی. پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۶، ۲۸-۷.
۳. آقابابایی، حسین؛ عباسی، مراد (۱۳۸۹). حریم خصوصی، فضای مجازی و چالش‌های پیشگیرانه فراروی ناجا. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۷، ۵۸-۲۹.
۴. آقابابایی، حسین (۱۳۸۷). قتل نفس به اعتقاد مهدور الدم بودن مقتول. سلسله پژوهش‌های فقهی-حقوقی، چاپ اول، قم، معاونت آموزش قوه قضاییه و جنگل جاودانه.
۵. انصاری، باقر (۱۳۸۵). حریم خصوصی. انتشارات سمت.
۶. برازش، علی‌رضا (۱۳۶۱). مجموعه موضوعی نهج‌البلاغه و غررالحکم. تهران، نشر میقات.
۷. بعلبکی، روحی (۱۹۹۵). المورد. چاپ هفتم، بیروت، دارالعلم للملایین.
۸. تدین، عباس (۱۳۸۸). پیشگیری از نقض حریم خصوصی اشخاص در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری. مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، مشهد.
۹. جاویدزاده، حمید رضا، میره‌ای، سید حسن و پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۳). مراقبت الکترونیکی و بررسی فقهی آن بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی. فصلنامه فقه و حقوق، سال اول، ۲۱۰-۱۹۳.
۱۰. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۱. حسینی، سید محمد (۱۳۹۰). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران و سمت.
۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). مبانی تکمله المنهاج. نجف اشرف، کتابخانه آداب.
۱۳. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). حق انسان بر حریم خصوصی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۴۵-۱۱۹.
۱۴. علی‌اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۱). تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۵. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی اسلام. چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. کوک، مایکل (۱۳۸۶). امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. ترجمه احمد نمایی، چاپ چهارم، مشهد، مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم (۱۴۲۱). تاریخ فقه و فقهها. چاپ سوم، تهران، سمت.
۱۸. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۵). کتاب‌الشهادت. تقریرات سید علی حسینی میلانی، چاپ اول، قم.
۱۹. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. فاروقی، حارث سلیمان (۱۹۹۱). المعجم القانوني. چاپ سوم، بیروت، مکتبه لبنان.
۲۲. محسنی، فرید (۱۳۹۰). حریم خصوصی اطلاعات. انتشارات دانشگاه امام صادق.

۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. تهران، دار الحدیث.
۲۴. منتظری، حسین علی (۱۳۷۱). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، تهران، نشر تفکر.
۲۵. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۶). *نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان*. *مجله حکومت اسلامی*، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۶۴-۱۴۰.
۲۶. مهریزی، مهدی (۱۳۸۷). *دولت دینی و حریم خصوصی (بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی)*. *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۱۲، ۹۶-۴۵.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۳). *تحریر الوسیله*. دو جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۸. نجفی، محمد حسن (بی‌تا). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. نوبهار، رحیم (۱۳۸۸). *پیشگیری از جرم و حریم خصوصی*. مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، مشهد.
۳۰. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*. انتشارات جنگل، چاپ اول.
۳۱. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت.

ب) خارجی

1. Ahmad Atef Ahmad, (2009), **Islam, Modernity, Violence and everyday life**, Palgrave Macmillan, first published, USA.
2. Garner, Bryan A. (ed), (2004), **Black's Law Dictionary**, Thomson West, 8th ed, USA,
3. Posner, Richard A. (2006), **Not a Suicide Pact: The Constitution in a Time of National Emergency**, Oxford University Press, USA.
4. Regan, Priscilla.M, (2004), **Old issues, new context: Privacy, information collection and homeland security**, Government Information Quarterly 21.
5. Schoeman, Ferdinand, (1984), **Philosophical Dimensions of Privacy: an Anthropology**, Cambridge University Press.
6. Slobogin, Christopher, (2007), **Privacy at Risk, the New Government Surveillance and the Fourth Amendment**, *Chicago her slobogin, the university of Chicago press Chicago and London*.
7. Staples, William G. (edited by)(2007) **Encyclopedia of Privacy**, Volumes 1&2, greenwood Press, first published, USA.
8. Wild, Susan Ellis, (2006), **Webster's new world Law Dictionary**, Wiley Publishing, Inc, Canada, 2006.